

دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال سیزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۶، صص ۱۶۳-۲۰۰

منافع ملی و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۲

علی اکبر جعفری *

میشم بلباسی **

شهرام اسفندیاری ***

چکیده

سازمان همکاری شانگهای به عنوان نمونه بارزی از منطقه‌گرایی نوین در آسیا، با هدف حل و فصل اختلافات مرزی و تقویت اعتماد متقابل میان اعضاء به وجود آمد که تدریجاً منجر به توسعه سازمان و توجه آن به موضوعات اقتصادی و بازرگانی و... گردید. ایران هم در سال ۲۰۰۴ عضو ناظر این سازمان منطقه‌ای شده و با توجه به این مسائل، مقاله حاضر با استفاده از رویکرد نظری منافع ملی و همگرایی و استعانت از روش توصیفی - تحلیلی مترصد پاسخ به این سؤال است: اهداف و منافع ایران در عضویت دائم سازمان همکاری شانگهای چیست؟ این مقاله عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان را، منوط به موضع مثبت اعضا به ویژه روسیه و چین به عنوان موتور محرکه سازمان می‌داند و این گزاره را فرض می‌گیرد که استراتژی جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست‌های همکاری منطقه‌ای، کسب فرصت‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی و همچنین بالا بردن قدرت چانه‌زنی در برابر غرب است؛ که از جمله دلایل و منافع اصلی علاقه‌مندی ایران برای عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای بوده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، فرصت‌ها و دستاوردهای زیادی برای ایران در زمینه‌های اقتصادی، تجاری، سیاسی، امنیتی و فرهنگی داشته است و با توجه به پتانسیل و توانمندی‌های ایران، بر پیوند استراتژیک ایران و سازمان فوق‌الذکر افزوده شده است که با توجه به دگرگونی‌های بین‌المللی، ایران می‌تواند از پتانسیل‌های سازمان برای تأمین منافع ملی و ارتقاء جایگاه خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله گام بردارد.

واژگان کلیدی: نظام دوقطبی، منافع ملی، همگرایی، منطقه‌گرایی، سازمان همکاری شانگهای، ج.ا.ایران.

A.jafari@umz.ac.ir

* دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران

Belbasi.Meisam@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه تهران

Shahram_Esfandiyari@yahoo.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

مقدمه

شانگهای در راستای تقویت صلح و ثبات در منطقه اقیانوس آرام و تأمین امنیت در آسیای مرکزی و پیرامون آن به وجود آمد (کولایی، ۱۳۸۵، ۳۶؛ زاهدی‌انارکی، ۱۳۸۵، ۵۵) و رهبران پنج کشور روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان تصمیم گرفتند که به منظور تقویت اعتماد نظامی در نواحی مرزی خود، کمربند حُسن هم‌جواری را تشکیل دهند (Huang, 2006, 21). بر این اساس سازمان همکاری شانگهای، به عنوان ساختاری نوپا و در حال بالندگی، در طول دوره فعالیت کوتاهش، ضمن آن‌که خود را در جایگاه سازمانی پویا و با چشم‌اندازی روشن در جهت تأمین همکاری‌های متنوع منطقه‌ای و تأمین خواسته‌های کشورهای منطقه مطرح ساخته، در عین حال به عنوان برجسته‌ترین همگرایی کشورهای مستقل با هدف برقراری همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای و ایجاد قطبی جدید در برابر آمریکا مطرح گردیده است (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۸، ۲). جمهوری اسلامی ایران در تیرماه ۱۳۸۴ در آستانه قزاقستان، به عنوان عضو ناظر در این سازمان پذیرفته شد (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹، ۲) و تقاضای خود مبنی بر عضویت دائم در این سازمان را هم در این تاریخ ارائه نموده است. مقاله حاضر ضمن بررسی ابعاد مهم سازمان همکاری شانگهای، درصدد است تا به این پرسش کلیدی پاسخ دهد که اهداف و منافع ملی ایران در عضویت دائم سازمان همکاری شانگهای چیست؟ مفروض مقاله حاکی از این است که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، ظرفیت‌های مناسبی را برای تأمین منافع ملی ایران در حوزه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و تجاری فراهم خواهد کرد. پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و توسعه‌ای و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و تبیینی است. یعنی محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد. سازمان‌دهی پژوهش به این قرار است که بعد از ارائه بعد نظری پژوهش، اهمیت سازمان شانگهای و ارتباط ایران با این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و عملکرد دولت یازدهم نسبت به این سازمان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بعد از این، روندها، دیدگاه‌ها و شرایط ایران برای عضویت در این سازمان مطرح می‌شود و در انتهای مقاله، فرصت‌ها و

چالش‌های عضویت در سازمان شانگهای مورد مذاقه قرار می‌گیرد. فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی است؛ یعنی از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک، نشریات، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

بررسی هدفمند سازمان همکاری شانگهای و ارتباط ایران با این سازمان در پرتو نظریه همگرایی و منطقه‌گرایی در روابط بین‌الملل امکان‌پذیر است. با توجه به این رویکرد می‌توان منافع ملی ایران را تشریح کرد.

۱-۱. منافع ملی

منافع ملی در هر کشوری با توجه به شرایط سیاست جغرافیایی و تاریخی آن کشور منطبق بر ارزش‌های حیاتی، اصول اساسی و مورد قبول جامعه تبیین می‌شود. این اصول اساسی، خود برگرفته از فلسفه و عرفان، فرهنگ و تاریخ، آداب و سنن و گذشته یک ملت هستند (علی‌بخشی و بیات، ۱۳۸۷، ۱۲). منافع ملی به‌مثابه واقعیتی عینی در نظر گرفته می‌شود که برحسب قدرت تعریف می‌گردد و اصول حاکم بر رفتار بازیگران سیاسی، تحت تأثیر وضعیت مکانی و زمانی آن کشور است. درعین‌حال، اقدام سیاستمداران در راستای مقتضای منافع ملی است که به بهبود وضعیت قدرت کشور یاری می‌رساند (طلوعی، ۱۳۷۷، ۸۴۳). کراسنر منافع ملی را گزینه‌ای گریزناپذیر محسوب می‌دارد و به گفته لرد پالمرستون منافع ملی معیارهای جاودانی در حوزه سیاست خارجی است. او معتقد است که منافع ملی ابدی است و وظیفه ما پیروی از آن است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۶، ۲۰۴). عده‌ای دیگر از محققان ذهنی گرا، منافع ملی را عبارت از یک سلسله ارزش‌هایی می‌دانند که دولت آن را به‌منزله برآیند نظرهای مختلف و گاه متناقض گروه‌های تشکیل‌دهنده کشور و به‌عنوان منافع مشترک کل جامعه برگزیده است. بنا به دیدگاه این گروه، وقتی از منافع ملی صحبت می‌کنیم، درواقع از ارزش‌هایی سخن به میان می‌آید که بسیاری یا شاید همه اعضای یک جامعه به آن گرویده‌اند (دارابکالی، ۱۳۷۸، ۳۷۲).

منافع ملی با سیاست خارجی در ارتباط است (رنجبر، ۱۳۸۲) و به تعبیر جوزف نای، منافع ملی ناظر بر مجموعه‌ای از اولویت‌های مشترکی است که در روابط بین کشورها مدنظر قرار می‌گیرد (Nye, 1999, 45). طبق اصل منافع ملی در سیاست‌های منطقه‌ای، تنش‌زدایی در عرصه بین‌المللی و جایگزینی مفاهیم و گفتگو در سیاست خارجی بر اساس عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌تواند حافظ منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد (درویشی و فردی‌تازه‌کند، ۱۳۸۷، ۱۰۲). در عین حال، همکاری و همگرایی‌های منطقه‌ای موجب رفاه، ثروت و کسب قدرت برای کشورها می‌شوند و به دولت‌ها در رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیت، که جزو اهداف و منافع ملی حیاتی کشورها نیز هستند، کمک شایانی می‌نمایند (جاوید، ۱۳۸۶، ۱۰۲).

۲-۱. همگرایی منطقه‌ای

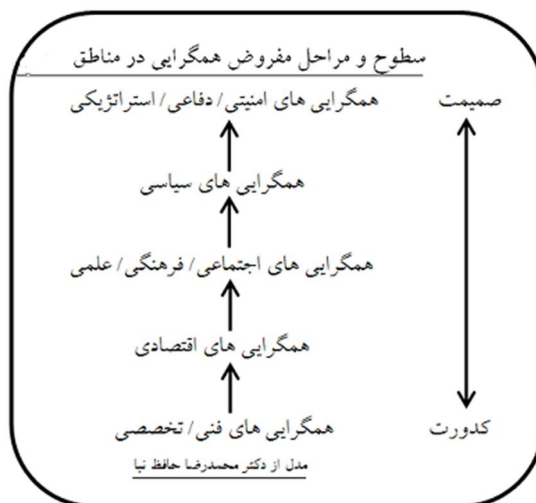
طبیعتاً هم‌زمان با بهره‌گیری از نظریه‌ی همگرایی، بحث منطقه‌گرایی هم مورد توجه قرار می‌گیرد. همگرایی ممکن است هم به‌عنوان یک فرآیند و هم به‌صورت یک هدف مورد مطالعه قرار گیرد. بر این اساس به‌عنوان یک فرآیند، آن جنبشی است در راستای افزایش همکاری میان دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فوق ملی و هم‌چنین حرکتی است در راستای همگون‌سازی تدریجی ارزش‌ها و بالاخره ظهور یک جامعه مدنی جهانی و اشکال جدید اجتماع سیاسی (قوام، ۱۳۸۶، ۴۲). همگرایی فرآیندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزاً ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به‌سوی مرکز جدیدی معطوف دارند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود بگیرند و یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند (پیشداد، ۱۳۸۳، ۲۴). در این راستا، عده‌ای همگرایی را به مفهوم ادغام واحدهای سیاسی در نظر می‌گیرند که در نتیجه آن، حاکمیت کشورها بنا به اراده، میل و اختیار خود آن‌ها، برای دست‌یابی به یک وضعیت جدید محدود می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۲، ۴۸۹). در تعریفی دیگر، همگرایی فرآیندی دانسته شده است که در آن جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست‌های عمده و اساسی خویش چشم پوشیده و سعی می‌کنند به تصمیم‌های

مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم‌گیری‌ها را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند. همچنین همگرایی را گرایش دو اندیشه یا تفکر در یک‌جهت تعریف کرده‌اند. ائتلاف چند کشور بر مبنای موقعیت جغرافیایی مشترک که بر اساس اجماع بر سر حداقل موضوعات که مستلزم سود تمامی طرف‌های ائتلاف باشد را نیز همگرایی نامیده‌اند (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰، ۴۶).

منطقه‌گرایی معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت «Region» به معنای منطقه و پسوند «ism» که به معنای گرایش و اعتقاد، ترکیب شده است. مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین‌الملل تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد (کاظمی، ۱۳۷۰، ۱۰۳). منطقه‌گرایی در ادبیات روابط بین‌الملل هنگامی کاربرد دارد که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند (علی‌بابایی، ۱۳۷۲، ۱۳۲). مجموعه‌ای از شرایط پس‌زمینه‌ای‌اند که محیط اجتماعی، اقتصادی و روانی لازم (اما نه لزوماً کافی) را برای شکل‌گیری اجتماع امنیتی یا همگرایی آماده می‌سازند:

- سازگاری متقابل ارزش‌های اصلی مربوط به رفتار سیاسی (مانند دموکراسی، حقوق بشر و غیره ...)
- وجود یک راه زندگی متمایز و جذاب (مثلاً سبک زندگی غربی، آسیایی، اسلامی و ...)
- انتظار نیل به پیوندهای اقتصادی قوی‌تر و پرسودتر یا پادشاه‌های مشترک (از طریق پیوندهای جدید)؛
- افزایش چشمگیر در ظرفیت‌های سیاسی و اداری در حداقل برخی از واحدهای شرکت‌کننده؛
- رشد اقتصادی برتر حداقل برخی از واحدهای شرکت‌کننده (به نسبت سرزمین‌های مجاور بیرون از حوزه‌ای که امید به ایجاد همگرایی در آن می‌رود)؛
- وجود نوعی پیوندهای ناگسستگی و مهم در ارتباطات اجتماعی در ورای

- مرزهای مشترک سرزمین‌هایی که قرار است همگرایی میان آن‌ها صورت گیرد، و در ورای برخی از قشرهای اصلی اجتماعی در درون آن‌ها؛
- وسعت یافتن نخبگان سیاسی در درون حداقل برخی از واحدهای سیاسی، و برای کل اجتماع بزرگ‌تر؛
 - تحرک نسبتاً بالای جغرافیایی و اجتماعی اشخاص، حداقل در میان قشرهایی که از نظر سیاسی اهمیت دارند؛
 - تعدد دامنه جریان ارتباطات و مبادلات متقابل؛
 - متقابل بودن پاداش‌ها در جریان ارتباطات و مبادلاتی میان واحدهایی که قرار است به همگرایی دست یابند (یعنی همه از مبادلات سود ببرند، نه آنکه یکی سود ببرد و دیگری زیان کند)؛
 - بسامد بالای تغییر در نقش‌های گروه‌ها در میان واحدهای سیاسی (مثلاً از نظر در اقلیت یا اکثریت بودن، سود برنده یا سود رساننده بودن، مبتکر یا پاسخگو بودن؛ به عبارت دیگر همه همیشه یک نقش نداشته باشند)؛
 - حد بالایی از پیش‌بینی‌پذیری متقابل رفتارها (مشیرزاده، ۱۳۹۱، ۴۴-۴۳).



شکل ۱. سطوح و مراحل مفروض همگرایی در مناطق مختلف ژئوپلیتیک (حافظ نیا، ۱۳۹۳)

تحولات کنونی جهان معاصر، بر اهمیت همکاری کشورها با یکدیگر برای مقابله با تهدیدات مختلف که اکثریت آنها اهمیتی بین‌المللی یافته‌اند، افزوده است. فروپاشی بلوک شرق و بی‌اعتباری نظام دوقطبی، تحولات متعددی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد نمود. یکی از این تحولات گرایش کشورها به سمت همگرایی منطقه‌ای است. در پرتو چنین تحولاتی در دوران پسا شوروی، سازمان‌های منطقه‌ای مختلفی در زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفتند. این در حالی است که مشخصه اصلی دوران پسا شوروی، بازیگری فعال ایالات متحده آمریکا در شکل‌دهی به یک نظم مبتنی بر عملکردهای یک‌جانبه‌گرایانه‌اش بود. کنت والتز معتقد است، در صورت مسجل شدن قدرت یک قطب برای سایر بازیگران، واحدهای سیاسی دیگر همواره در هراس از قدرت مهارنشده‌ی مرکز به سر برده و واکنش‌هایی را علیه آن صورت می‌دهند که گرایش به اتحاد و ائتلاف یکی از آنها به شمار می‌رود (حقیقی، ۱۳۸۸، ۲۴). در این میان اتحاد و ائتلاف راهبردی و همسویی منافع امنیتی از لحاظ نظری، بالاترین نوع همکاری میان کشورها به شمار می‌رود که منافع سیاسی و اقتصادی بی‌شماری را نیز برای اعضاء به ارمغان می‌آورد (متکی، ۱۳۸۵، ۷). سازمان همکاری شانگهای را باید در مقوله همین نوع ائتلاف و اتحاد راهبردی جای داد.

۲. اهمیت سازمان همکاری شانگهای

مهم‌ترین قابلیت‌های این سازمان که باعث شده این سازمان به‌عنوان بازیگری مؤثر در معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نظر گرفته شود عبارت‌اند از: اول: سازمان همکاری شانگهای انعکاسی از افزایش همکاری امنیتی بین روسیه و چین است که از منتقدان اصلی ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌المللی می‌باشند. ضمن آنکه، عدم عضویت آمریکا در سازمان همکاری شانگهای بر اهمیت آن افزوده است، زیرا نظم پس از جنگ سرد یک نظم آمریکایی است و عدم عضویت آمریکا در این سازمان، اهمیت این سازمان را دوچندان کرده است. بر این اساس می‌توان گفت سازمان همکاری شانگهای با رویکرد چندجانبه خود، عزمی جدی برای مقابله با نظام تک‌قطبی مورد نظر ایالات متحده دارد و تفکر توسعه‌طلبانه ایالات متحده را با چالشی جدی روبه‌رو ساخته است.

سازمان همکاری شانگهای پایگاهی ضد توسعه طلبی و دخالت آمریکا در آسیای مرکزی می‌باشد که به موازات افزایش رقابت‌های چین و روسیه با ایالات متحده آمریکا، این سازمان نخستین ابتکار این دو کشور برای مقابله با نفوذ رو به رشد آمریکا در آسیای مرکزی محسوب می‌شود (Germanovich, 2008, 23-24).

ضمن اینکه، روسیه و چین دو قطب بزرگ اقتصادی و سیاسی جهان، از دارندگان حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. دوّم: به دلیل مجاورت جغرافیایی سازمان همکاری شانگهای با اروپا، اهمیت ویژه‌ای برای دورنمای امنیتی اروپا دارد. زیرا که سازمان در حیات خلوت اروپا حضور دارد. سوّم: هند به‌عنوان یک قدرت در حال رشد نیز عضو ناظر سازمان است. بنابراین دولت‌های عضو سازمان ظرفیت زیادی برای اصلاح یا تغییر توازن قوا در نظام بین‌الملل دارند و ممکن است نظم کنونی نظام بین‌الملل را تغییر دهند. چهارم: اهمیت دیگر سازمان همکاری شانگهای به لحاظ نظری است. ظهور سازمان می‌تواند تأثیر مهمی بر مباحث نظری درباره روابط بین‌الملل داشته باشد، هم درباره آینده نظام تک‌قطبی و هم در مورد ظهور شکل‌های جدیدی از موازنه قوا (مرادی، ۱۳۸۷، ۱۳۰).

پنجم: این سازمان بخش اعظم بلوک‌بندی هسته‌ای را در خود جای داده است. پنج عضو از اعضاء فناوری هسته‌ای و چهار عضو روسیه، چین، هند و پاکستان از تسلیحات هسته‌ای برخوردارند. ششم: گردآوری سه حوزه تمدنی بودایی، ارتدوکس و اسلامی در زیر یک پرچم همگرایی. پیمان همکاری شانگهای از محدود سازمان‌هایی است که حوزه تمدنی آنگلو ساکسونی را در خود جای نداده است و می‌تواند خالق نظام هویتی مستقل و غیر آنگلو ساکسونی باشد. هفتم: برخورداری از ژئوپلیتیک هارتلندی و موقعیت ژئواستراتژیکی. هشتم: اعضای سازمان درزمینه همکاری انرژی، مکمل خوبی برای یکدیگر محسوب می‌شوند، زیرا بزرگ‌ترین تولیدکنندگان، دارندگان و مصرف‌کنندگان انرژی و همچنین مهم‌ترین مسیرهای انتقالی انرژی در اختیار اعضای این سازمان است. با این‌همه از آنجایی که سازمان همکاری شانگهای از قدرت‌های درجه دوّم تشکیل شده است و این قدرت‌ها اقداماتی را برای تغییر یا اصلاح موازنه قوای جهان کنونی شروع کرده‌اند بسیار جالب توجه است. زیرا تاکنون هیچ ائتلاف توازن

دهنده‌ای برای تغییر موازنه حاکم، شکل نگرفته است. بنابراین فهم عمیق ریشه‌های شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به قلب مباحث تئوریک روابط بین‌الملل برمی‌گردد. ظهور سازمان همکاری شانگهای می‌تواند گامی برای شکل‌گیری یک اتحاد علیه ایالات متحده آمریکا باشد (شفیعی و کمائی‌زاده، ۱۳۸۹، ۵۸). ولی علی‌رغم همه قابلیت‌هایی که برای سازمان همکاری شانگهای در سطح منطقه‌ای و جهانی وجود داشته است، بررسی عملکرد و سیاست‌های اعلانی این سازمان حکایت از این مسئله دارد که اعضای سازمان تمایلی ندارند روابط خود را با کشورهای غربی به‌خصوص ایالات متحده آمریکا در قالب بازی با حاصل جمع صفر تعریف کنند (حقیقی، ۱۳۸۸، ۲۴).

۳. ایران و سازمان همکاری شانگهای

شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای، واکنش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه قدرت‌های بزرگ را به همراه داشته است. برخی بازیگران مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله مغولستان، هند، پاکستان، افغانستان، ایران و آمریکا از آغاز شکل‌گیری سازمان، تمایل خود را با همکاری در زمینه‌های گوناگون ابراز داشته‌اند (حاجی‌یوسفی و الوند، ۱۳۸۷، ۱۸۲). از آنجایی که در عرصه سیاست خارجی، منطقه‌گرایی در راستای تأمین اهداف بین‌المللی یک کشور حائز اهمیت است، همکاری‌های منطقه‌ای مدت‌هاست به‌عنوان راهبردی اصولی در جهت برون‌رفت از چالش با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه غرب در متن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جای داشته و بر همین اساس همواره در مواضع و اظهارات مقامات و تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور مطرح و تکرار گردیده است و تلاش برای تقویت و گسترش سازمان اکو، پیوستن به سازمان‌ها و تشکل‌های منطقه‌ای را می‌توان تبلور چنین سیاستی دانست (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۸، ۸۳).

۳-۱. عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای: روندها و دیدگاه‌ها

نخستین بررسی‌های کارشناسی به‌منظور آغاز همکاری ایران با سازمان همکاری شانگهای از تابستان ۱۳۸۰ در وزارت امور خارجه شکل گرفت و پس از ارزیابی و

تصمیم‌گیری در سطح بالاتر سرانجام تقاضای عضویت ایران در تاریخ ۱۰ بهمن ۸۳ طی یادداشتی رسمی از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در پکن به دبیرخانه سازمان و هم‌زمان به ریاست دوره‌ای سازمان یعنی قزاقستان منعکس گردید. پیش از آن و برای نخستین بار در جریان سفر وزیر امور خارجه وقت ایران به ازبکستان در خردادماه ۱۳۸۳ و دیدار با رئیس‌جمهور آن کشور، تمایل کشورمان برای همکاری با سازمان مطرح و در پی آن اقدامات و مشورت‌هایی به‌منظور پذیرش درخواست رسمی در مرکز و پایتخت‌های شش کشور عضو آغاز گردید و سرانجام وزیران خارجه سازمان در نشست خود در آستانه در خردادماه ۱۳۸۴ با حمایت از درخواست عضویت ایران، آن را در دستور کار نشست سران سازمان در تیرماه ۸۴ در شهر آستانه قرار دادند (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۸، ۹۵). موضوع عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای در واقع نشئت گرفته از تفکر گروهی از سیاستمداران اصولگرای کشور است که سیاست همکاری با شرق را مورد توجه قرار داده و گسترش ارتباط را با روش‌های نظارت به‌ویژه بهره‌گیری از ابزار انرژی (نفت و گاز) برای نزدیک شدن هرچه بیشتر به قدرت‌های منطقه‌ای مانند چین و روسیه مورد تأکید قرار می‌دهند (عزتی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۶، ۷۴).

باین‌همه در راستای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران توجه به دو نکته مهم می‌نماید: اول اینکه؛ سازمان همکاری شانگهای اولین جامعه امنیتی چندجانبه‌ای است که ایران بعد از انقلاب اسلامی به آن ملحق خواهد شد (واتسون، ۱۳۸۵، ۱۶۰). دوم اینکه: پذیرفته شدن ایران به‌عنوان عضو دائم سازمان (عضویت کامل) به موضع مثبت اعضاء به‌ویژه دو عضو بزرگ این سازمان یعنی روسیه و چین که به‌عنوان موتور محرکه سازمان عمل می‌کنند، بستگی دارد. ولی باید دانست که ایران با همه توانمندی‌های بالقوه و بالفعل خود در نگاه به سازمان همکاری شانگهای معیارها و فاکتورهای مهمی را مدنظر داشته است. باین‌همه، علاقه‌مندی‌های جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در چارچوب گزاره‌های ذیل مطرح کرد:

الف) انتخابی مناسب جهت تأمین امنیت و رویارویی با خطرات احتمالی ناتو و آمریکا در همسایگی ایران: همگرایی منطقه‌ای جهت افزایش امنیت منطقه‌ای مؤثر است

(بصیری و دیگران، ۱۳۹۲، ۶۰) و در این ساختار امنیتی، دولت‌ها به مشاوره، اطمینان شفافیت و وابستگی متقابل ترغیب می‌شوند و از این طریق، اطمینان از شفافیت فرایند توان نظامی و معیارهای اعتماد و امنیت سازی و نیز توسعه سازوکارهای دیپلماسی بازدارنده گسترش داده می‌شود (اسنایدر، ۱۳۸۰، ۲۹۵). در همین راستا، حضور دو قدرت بزرگ منطقه‌ای - جهانی یعنی روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای که مخالف شکل‌گیری نظام تک‌قطبی می‌باشند برای ایران که در تضاد با آمریکا است، جذابیت زیادی دارد. تصور ایران بر این است که می‌تواند با عضویت در سازمانی که به شکل آشکار و واقعی در مخالفت با شکل‌گیری نظام تک‌قطبی قرار دارد و چالش جدی برای هژمونی آمریکا محسوب می‌شود، امنیت خود را تضمین می‌کند (حاجی‌یوسفی و الوند، ۱۳۸۷، ۱۸۲). علاوه بر این، وجود اهداف و منافع مشترک میان ایران و کشورهای قدرتمند عضو در منطقه آسیای مرکزی فرصتی را در اختیار ایران قرار می‌دهد تا با عضویت در این سازمان، امنیت ملی و منطقه‌ای خود را ارتقاء ببخشد. این در حالی است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، حلقه‌ای دیگر بر حلقه‌های متداخل منطقه‌ای ایران افزوده شد و از آن‌پس ایران از مسائل، نگرانی‌ها و درگیری‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز متأثر گشته است. اگر امنیت ایران را از نظر جغرافیایی با امنیت آسیای مرکزی گره‌خورده فرض کنیم، سازمان همکاری شانگهای، همخوان‌ترین نهاد منطقه‌ای با این تئوری است. به‌هرروی، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به کاهش تهدیدهای منطقه‌ای نسبت به ایران می‌انجامد (حق‌شناس و بشیری، ۱۳۹۰، ۹۲).

ب) کاهش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی با گره زدن منافع ایران با سازمان در بخش‌های مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با تجزیه‌طلبی و تروریسم، با توجه به اشتراک منافع ایران با اهداف سازمان: رشد تروریسم و افراط‌گرایی به همراه ترانزیت مواد مخدر تهدید جدی برای مناطق پیرامونی ایران به شمار می‌رود؛ با این حال اختلافات کشورهای منطقه با یکدیگر مانع شکل‌گیری سیاست هم‌ساز و واحد شده است و کشورهای منطقه نتوانسته‌اند در رابطه با مسائل مهم و سرنوشت‌ساز به توافق جامعی برسند. بر اساس نظریه همگرایی منطقه‌ای، سیاست‌های پراکنده و ناسازگار در سطح منطقه سبب تقویت فعالیت‌های تروریستی و رشد افکار افراط‌گرایانه می‌گردد که در

آینده امنیت همه کشورها در معرض خطر قرار می‌گیرد و کشورهای عضو شانگهای در اثر مداخلات کشورهای غربی می‌توانند به پناهگاه تروریست‌ها و جغرافیای تولید و تربیت افراط‌گرایان تبدیل شود. بنابراین، تلاش‌ها و پیگیری همگرایی از طریق عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای می‌تواند در مسیر امنیت، پیشرفت و ثبات کشورها به کار گرفته شود (احسانی، ۱۳۹۵، ۲). در همین زمینه، پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای که بر مبارزه با تروریسم، جدایی‌خواهی و جلوگیری از بنیادگرایی و تندروی مذهبی تأکید دارد، به جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران به‌روشنی و با ارادهٔ راسخ، رویارویی با این سه خطر منطقه‌ای و جهانی را جزء برنامه‌های کلان و اصول سیاست خارجی خود قرار داده است و این می‌تواند بخشی از تبلیغات و فرافکنی‌های ایالات متحده آمریکا و برخی از هم‌پیمانان غربی‌اش را بی‌اثر سازد (حق‌شناس و بشیری، ۱۳۹۰، ۹۱).

پ) گسترش روحیه اعتماد، حُسن نیت، همکاری، ثبات و تثبیت و تقویت چهره دوستانه و مثبت ایران در تعاملات اقتصادی: بر اساس نظریه همگرایی منطقه‌ای، از جمله واکنش‌های انفعالی کشورها برای مقابله با پدیده جهانی‌شدن، همگرایی‌های اقتصادی و منطقه‌ای میان بازیگران سیاسی است. کشورهای اسلامی نیز با تکیه بر مزایای نسبی و توانایی‌های مختلف اقتصادی می‌توانند شرایط و فضای مقابله با روند جهانی‌شدن را کسب کنند و با کسب تجارب متفاوت از همگرایی‌های مختلف اقتصادی - منطقه‌ای توان خود را برای حرکت در روند جهانی‌شدن افزایش داده و با شناخت مزیت‌های نسبی، موجبات افزایش جریان‌های سرمایه‌گذاری خارجی و به‌دنبال آن، رشد اقتصادی را فراهم کنند. بر اساس نظریه همگرایی منطقه‌ای، متحد شدن کشورهای منطقه در سازمان‌های اقتصادی، سیاسی و... می‌تواند دلیلی بر همکاری‌های بیشتر بین کشورهای منطقه تلقی شود که ضمن ایجاد حسن نیت کشورها، دستاوردهای اقتصادی هم داشته باشد (نجارزاده و شقاقی‌شهری، ۱۳۸۵، ۳۳۷). این در حالی است که همکاری با سازمان شانگهای، افق‌های جدیدی در عرصهٔ تعاملات دوجانبه و چندجانبه در زمینه‌های مختلف، پیش روی سیاست خارجی ایران قرار داده است و از روابط حسنه با تک‌تک اعضای اصلی و ناظر، باعث می‌شود تا فرصت‌های طلایی برای حضوری موفق و مستمر در عرصه تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد شود

(حقوق‌شناس و بشیری، ۱۳۹۰، ۹۲-۹۱).

ت) بر اساس نظریه همگرایی منطقه‌ای، عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای می‌تواند منجر به تعامل مؤثر و انسجام سازمانی، علمی و اقتصادی به همراه رفع نیازمندی‌ها بین کشورهای عضو نهاد منطقه‌ای شود (Cantori & Spiegle, 1970, 12). از این رو، حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی و رفع نیازمندی‌های تکنولوژیک و منابع مالی مورد نیاز برای توسعه صنعتی با توجه به ظرفیت کشورهای عضو و تقویت منافع اقتصادی ایران با احتمال گره خوردن منافع اقتصادی سازمان با کشورهای آسه‌آن، ژاپن و کره جنوبی، یکی از زمینه‌های علاقه‌مندی ایران به سازمان شانگهای می‌باشد (خلیلی، ۱۳۹۴، ۵).

ث) تقویت روند منطقه‌گرایی در نظام بین‌الملل و احتمال تأثیرگذاری آن بر سیاست‌گذاری‌های کلان بین‌المللی: نظریه‌پردازان همگرایی معتقدند که افراد هنگامی رفتار همگرایانه در پیش خواهند گرفت که پیش‌بینی کنند با پاداش‌ها و تهدیدات مشترکی روبه‌رو خواهند بود. موفقیت در این امر به درونی‌سازی فرآیند همگرایی بستگی دارد؛ به این معنی که نخبگان و دولتمردان داخلی و منطقه‌ای به علت درک وابستگی‌های متقابل موجود با فرآیند همگرایی همسویی نمایند (اعظمی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱). در فرآیند جهانی‌شدن و زمانی که آمریکا به‌عنوان نظامی برتر در جهت یک‌جانبه‌گرایی و تسلط بر روابط بین‌الملل تلاش می‌کند، اهتمام به منطقه‌گرایی و گسترش ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از راه‌کارهای مؤثر برای مقابله با این روند به شمار می‌رود (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۸، ۱۲۱). عضویت ایران در سازمان شانگهای و ارتباط با کشورهای عضو این سازمان، منجر به شکل‌گیری قدرت منطقه‌ای در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب خواهد شد.

ج) نقطه عطف در گسترش همکاری‌های دوجانبه با کشورهای عضو در امر مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با تروریسم و توسعه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی.

چ) تضعیف رابطه علت و معلولی بین اسلام و تروریسم و پیشگیری از تندروری و رفتار ناشایست علیه مسلمانان.

ح) تقویت گروه کشورهای فارسی‌زبان در کنار تاجیکستان و احتمال عضویت آتی

ناظر افغانستان.

خ) ایران به علت پیوستگی سرزمینی و نیز برخی همسانی‌ها از دیدگاه تاریخی، مذهبی و فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی و موضوع انتقال انرژی، دارای گزینه‌های نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در آسیای مرکزی خواهد بود.

د) علاقه‌مندی ایران جهت عضویت در سازمان همکاری شانگهای به دلیل اینکه از یکسو سازمان، پیگیری سیاست عدم تعهد و رعایت منشور ملل متحد را پذیرفته است و از سوی دیگر دو عضو سازمان یعنی روسیه و چین از قدرت‌های بزرگ و از دارندگان حق و تو محسوب می‌شوند، سودمند است. بر این اساس، اعتقاد بر این است که با پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای امکان چانه‌زنی ایران در سطح بین‌المللی افزایش می‌یابد (امیدی، ۱۳۸۶، ۴۶).

۳-۲. توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران

قبل از بررسی توانمندی‌های ایران برای عضویت در سازمان شانگهای، باید به چند مفروض همگرایی میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای اشاره کرد. روابط دوجانبه ایران و هر یک از کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای حتی چین و روسیه، به‌رغم گستردگی و تحکیم در همه ابعاد، هیچ‌گاه استراتژیک نبوده است و همواره این کشورها با اولویت منافع اقتصادی و لحاظ نمودن سایر ابعاد منافع ملی خود، با دیدی تجاری به روابط با جمهوری اسلامی ایران نگاه می‌کنند. چین و روسیه در چارچوب استراتژی کلان خود، همواره از توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از اهرم‌ها و سازوکارهای تنظیم مناسبات خویش با جهان غرب بهره‌برداری کرده‌اند. سیاست «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مکمل سیاست تنظیم و توسعه روابط با غرب قلمداد شود؛ لذا این دیدگاه که رابطه با شرق به‌عنوان جایگزین رابطه با غرب مورد اهتمام قرار گیرد، به‌تنهایی تأمین‌کننده منافع ایران نخواهد بود و باید مترصد بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود کشورهای عضو سازمان شانگهای به‌صورت متقابل بود. در این خصوص، در چارچوب نظریه همگرایی منطقه‌ای باید اذعان شود که آنچه موجب نزدیکی مجدد کشورهای تازه استقلال‌یافته از

یک سو و نزدیکی روسیه و چین به این کشورها از سوی دیگر شده است، تأمین امنیت نسبی منطقه در مقابل گروه‌های تروریستی، استقلال طلب و قاچاق مواد مخدر است. در سطح بین‌المللی نیز تهدیدات نظامی که اساس رابطه میان قدرت‌های بزرگ را شکل می‌داده، از میان رفته و عوامل جدیدی مبنای رقابت میان آن‌ها گردیده است. سازمان همکاری‌های شانگهای به تدریج با کسب موفقیت نسبی در نیل به اهداف اولیه اش سعی در تبدیل شدن به یک سازمان همه‌جانبه منطقه‌ای دارد که به نوبه خود اهداف خاصی را دنبال و حساسیت‌های خاصی را ایجاد می‌کند. هر یک از کشورهای عضو و خواهان عضویت در این سازمان اهداف خاص خود را دنبال می‌کنند که بر اساس منافع ملی و ویژگی‌های ژئوپلیتیک‌شان قابل تبیین است. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیک و همچنین اولویت‌های واقع‌بینانه منافع ملی‌اش، بر تأثیرات و پیامدهای این اقدامات واقف است (طالبی‌فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۲، ۲۰۰-۱۹۹).

بعد از نکات فوق‌الذکر باید اذعان داشت که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، هم برای ایران و هم برای سازمان دارای اهمیتی متقابل است. هم‌چنین باید دانست که ایران در حال حاضر در هیچ سازمان سیاسی و نظامی مهمی حضور ندارد. نخستین‌باری که ایران علاقه خود را به مشارکت در یک سازمان منطقه‌ای ابراز داشت، عضویت در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) بود. اما این سازمان به دلایلی چون دخالت‌های فرامنطقه‌ای و عدم وجود اراده سیاسی قوی بین اعضا برای همکاری در سطوح عالی‌تر، نتوانسته است اهداف مورد نظر را محقق سازد و این امر توانایی این سازمان را برای پیشبرد اهداف سازمان تنزل داده است. برای بار دیگر ایران، عضویت در شورای همکاری خلیج فارس را تقاضا نمود که به دلیل پاره‌ای از مسائل تاریخی این درخواست با موافقت شورای مزبور همراه نبود (امیدی، ۱۳۸۶، ۴۳-۴۲).

با توجه به این بستر تحولاتی، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان شانزدهمین کشور وسیع جهان با خاستگاه تمدنی چند هزارساله، حضور در محل تلاقی شدن به غرب و در نزدیکی اتصال سه قاره، مرزهای آبی و خاکی با ۱۵ کشور، اتصال‌دهنده دو مرکز عمده انرژی جهانی در قرن ۲۱، مالک ۱۰ درصد منابع نفتی و ۱۷ درصد منابع گازی دنیا، پیونددهنده سازمان‌های منطقه‌ای چون EU، CIS، ASEAN، SARC، PGCC،

به‌عنوان کریدور شرق به غرب و کریدور شمال به جنوب و حضور در مجاورت مرزهای چهار قدرت قرن بیست و یکم شامل اتحادیه اروپا، روسیه، چین و هند، بعد از پذیرش عضویت ناظر توسط سازمان همکاری شانگهای تمایل علاقه‌مندی خود را در جهت عضویت دائم سازمان ابراز داشته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۸۴). در تشریح توانمندی‌ها و اهمیت جمهوری اسلامی ایران برای سازمان همکاری شانگهای باید گفت که در بخش سیاسی، موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه، ایفای نقش مؤثر ایران در مناقشات و بحران‌های منطقه‌ای، قابلیت‌های سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران، روابط بسیار نزدیک ایران با اعضای سازمان شانگهای به‌ویژه روسیه و چین، مناسبات تاریخی ایران با کشورهای عضو شانگهای و نفوذ قابل‌ملاحظه ایران در جهان اسلام می‌تواند در تأمین اهداف سازمان همکاری شانگهای مؤثر باشد. در بخش اقتصادی نیز مواردی نظیر عضویت و نقش برجسته ایران در سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، دسترسی ایران به جنوب خلیج فارس، خاورمیانه عربی و قفقاز جنوبی، ذخایر عظیم انرژی در ایران و عضویت در اوپک و امکان تشکیل یک باشگاه انرژی در درون سازمان با عضویت ایران و... از جمله توانمندی‌های ایران است که موجب جذابیت آن برای سازمان همکاری شانگهای خواهد شد. علی‌رغم اهمیت موارد فوق، بخشی که بیشتر مهم می‌نماید، حوزه انرژی است. در حوزه انرژی ایران به‌عنوان یکی از اعضای بنیان‌گذار اوپک، با بیش از ۱۳۷/۵ میلیارد دلار شبکه نفت، سومین ذخایر عظیم اثبات‌شده نفت جهان و ۹۹۲/۹۹ تریلیون فوت مکعب ذخایر گازی دومین ذخایر بزرگ گاز جهان را در اختیار دارد. در حوزه انرژی، ایران توانایی آن را دارد تا به مرکز فعالیت انرژی برای چین و روسیه تبدیل شود. تهیه نفت و گاز ایران، این دو غول اقتصادی منطقه را قادر می‌سازد نیاز انرژی خود را برآورده سازند. همچنین ایران آسان‌ترین و کوتاه‌ترین جاده برای انتقال انرژی آسیای مرکزی به خلیج فارس است که بدین طریق این منطقه را با زیرساختار توسعه‌یافته فعلی عرضه نفت، به جهان وصل می‌کند (رحمان، ۱۳۸۵، ۱۳۷).

همچنین ایران با دارا بودن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای شمالی محصور در خشکی ارزانی

می‌دارد. این ارتباط، کوتاه‌ترین، سریع‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر را از منطقه خزر آسیای مرکزی به بازارهای جهانی شامل شبه‌قاره هند، ژاپن و خاور دور فراهم می‌کند. یعنی به آن بخش از جهان که تقاضای آینده‌شان برای انرژی به صورت رشد مداوم برآورده می‌شود. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران نیروی انسانی ماهر در فناوری‌های نفتی، یک سیستم حمل‌ونقل (ترانزیت) نسبتاً توسعه‌یافته و نیز زیرساخت‌های کشتیرانی را دارا می‌باشد. ایران هم‌چنین بنادر، پالایشگاه‌ها و شبکه‌های شایان توجهی از لوله نفت و گاز را در اختیار دارد که مزیت‌های لجستیکی و فناوری قابل‌ملاحظه‌ای را برای صادرکنندگان نفت و گاز خزر فراهم می‌نماید (کوزه‌گرکالجی، ۱۳۸۸، ۸۷). با این‌همه، صراحت مخالفت ایران با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، پتانسیل ایران در توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، مبارزه با مظاهر ناآرامی و بی‌ثباتی سیاسی اجتماعی نظیر تروریسم، مواد مخدر، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی که در دستور کار سازمان همکاری شانگهای است، می‌تواند در راستای توانمندی‌های ایران مورد توجه قرار بگیرد. این در حالی است که ایران توانایی میانجی‌گری میان گروه‌های اپوزیسیون اسلامی و دولت‌های روسیه و چین را دارد و از این راه می‌تواند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و به صلح و ثبات جهانی کمک کند (شمسیان فرد، ۱۳۸۵، ۲۵۶).

با در نظر گرفتن همه موارد گفته‌شده در قالب توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران، متأسفانه به دلیل سیاست‌های مغرضانه ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش در زمینه انزوای سیاسی و اقتصادی ایران، تاکنون بهره‌گیری کامل از این ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها میسر نشده، اما به مرور زمان، سیر حوادث، حقانیت ایران را به کشورهای منطقه و جهان ثابت خواهد کرد. از جمله مصادیق در این مورد می‌توان به بحران گرجستان اشاره نمود. بحران گرجستان که دشواری‌هایی در انتقال انرژی از سیاسی‌ترین خط لوله نفت جهان یعنی باکو - تفلیس - جیهان پدید آورد، خط لوله‌ای که ترکیه آن را جاده ابریشم قرن ۲۱ می‌خواند، به روشنی نشان داد که راه ایران امن‌ترین و مناسب‌ترین راه برای انتقال نفت و گاز حوزه دریای مازندران به بازارهای جهانی است و ایران می‌تواند با برنامه‌ریزی و سیاست‌های سنجیده از شکاف پدید آمده در حوزه‌های مختلف به خوبی بهره‌برداری کند (کوزه‌گرکالجی، ۱۳۸۷، ۸۸). گذشته از

مبانی پیوند میان ایران و سازمان همکاری شانگهای و هم‌چنین توانمندی‌های ایران در جهت نقش‌آفرینی در این سازمان باید دیدگاه‌ها و مواضع نخبگان کشور مقابل عضویت کامل جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای را مورد بررسی قرار داد. طبیعتاً عده‌ای از صاحب‌نظران موافق و عده‌ای دیگر مخالف عضویت کامل ایران در سازمان می‌باشند.

۳-۳. دولت یازدهم و سازمان همکاری شانگهای

با انتخاب آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران و تشکیل دولت یازدهم، تغییرات مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاصل شد. در این چارچوب، دولت یازدهم با هدف گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال مشارکت در سازمان همکاری شانگهای و پیگیری سیاست امنیت و رفاه اقتصادی مشترک است. سیاست خارجی دولت یازدهم، سیاست «تعامل سازنده» و ایجاد روابطی متوازن با همه کشورها و نه پیوند با یک یا چند کشور خاص است. در چنین چارچوبی و بر مبنای منطق چندجانبه‌گرایی، دولت یازدهم تلاش دارد تا اهداف عمده سیاست خارجی ایران یعنی صلح‌گرایی، موازنه‌گرایی و تعامل‌گرایی در عرصه جهانی را پیگیری کند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت کنونی سازمان شانگهای یعنی دارا بودن نیمی از جمعیت و یک‌چهارم سرزمین‌های جهان و منابع عظیم نفتی و معدنی، در چارچوب اهداف سیاست خارجی خود می‌تواند منافع اقتصادی گوناگونی را در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری کند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴). اهداف مورد نظر در سازمان شانگهای در دو سطح قابل بررسی است: ابتدا تأثیر جهانی آن در کنار بریکس، به‌عنوان یک مجموعه قدرتمند شرقی است؛ به تعبیر دیگر، اعتراف بسیاری از کشورها به پایان جهان تک‌قطبی و ضرورت روی آوردن به رویکردهای جدید در حل و فصل مسائل منطقه‌ای و جهانی. در این سطح، روسیه، چین و ایران سه کشور محور هستند و سه ظرفیت متفاوت شامل جاده ابریشم، حوزه اوراسیا و خاورمیانه را نیز به هم پیوند می‌دهند. اما در سطح سیاست خارجی کشورها، سازمان شانگهای همان فیل در شعر مولوی و در تاریکی است که هر یک از ناظرین، مطلوب خود را در آن تجسم می‌نماید. در

این بخش، ضمن وجود اشتراکات، دیدگاه هر یک از سه کشور و همچنین سایر اعضا ضمن حفظ اشتراکات، در مجموع متنوع و موزاییک‌گونه است (سالاری، ۱۳۹۲، ۱).

تاکنون آقای روحانی ریاست‌جمهوری ایران، سه بار در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در قرقیزستان (۱۳۹۲)، تاجیکستان (۱۳۹۳) و روسیه (۱۳۹۴) و آقای محمدجواد ظریف (وزیر امور خارجه) دو بار در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در ازبکستان (۱۳۹۵) و قزاقستان (۱۳۹۶) شرکت کرده‌اند. بیشکک، پایتخت قرقیزستان مقصد اولین سفر خارجی حسن روحانی بود. موضوع الحاق دائمی ایران به سازمان شانگهای، با آغاز به کار دولت یازدهم و در سفر «علی‌اکبر ولایتی» به روسیه و دیدار با مقامات عالی کرملین پیگیری شد. «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه، از این الحاق استقبال کرد و اگر موضع وزیر خارجه روسیه را نیز مبنای تحلیل قرار دهیم، باید بگوییم این الحاق قطعاً به نفع روس‌ها نیز خواهد بود. لاوروف گفته بود روسیه از الحاق ایران به شانگهای استقبال می‌کند و معتقد است این الحاق به توازن قدرت سیاسی و اقتصادی در آسیا در وضعیت‌ی که ایالات متحده تلاش زیادی برای حضور در آسیا و خاورمیانه دارند، کمک می‌کند. از سوی دیگر، عضو شاخص دیگر سازمان شانگهای، چین است. مقامات پکن هم موضعی مشابه روس‌ها گرفته‌اند و الحاق ایران به سازمان شانگهای را به سود ایران و کشورهای عضو این سازمان محسوب کرده‌اند. بدین ترتیب، ایران حمایت دو عضو برجسته سازمان شانگهای را دارد و لذا می‌تواند به نتیجه نهایی یعنی الحاق به سازمان شانگهای به‌عنوان عضو دائم امیدوار باشد. با این حال، بررسی ظرفیت‌های سازمان شانگهای که ایران پیگیر الحاق به آن به‌عنوان عضو دائم است، لازم به نظر می‌رسد (خبرگزاری افکارنیوز، ۱۳۹۴). سنایی در مصاحبه‌ای با یک روزنامه روسی در سال گذشته گفته بود: «ماهیت وجودی سازمان همکاری شانگهای با دیدگاه ایران در رابطه با موضوعات منطقه‌ای و نظم جهانی مطابقت دارد. اولاً ایران ایده جهان تک‌قطبی را قبول ندارد. دوماً، ایران مخالف هرگونه دخالت قدرت‌های خارجی در امور منطقه است. مشکلات منطقه‌ای توسط خود کشورهای منطقه حل می‌شود. ماهیت و ساختار سازمان همکاری شانگهای کاملاً با این مسئله مطابقت دارد» (کوچرا، ۱۳۹۴). با پیوستن ایران به این سازمان، بر تأثیر منطقه‌ای

و بین‌المللی آن افزوده خواهد شد، یکی از موانع اصلی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، تحریم‌های وضع شده علیه ایران است که با ایجاد توافق هسته‌ای انتظار می‌رود که با رفع این تحریم‌ها، شرایط عضویت ایران هر چه سریع‌تر فراهم شود. به همین دلیل، در حال حاضر ایران همچون افغانستان به‌عنوان عضو ناظر در این سازمان حضور دارد (سالاری، ۱۳۹۲، ۱).

درواقع، دولت یازدهم نیز تلاش نموده است در کنار گفت‌وگو با کشورهای غربی، روابط سازنده و متوازنی با روسیه و چین برقرار کند و تعمیق و گسترش روابط با چین و روسیه از اولویت‌های ذکر شده در برنامه‌های سیاست خارجی وزیر امور خارجه است که در زمان کسب رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی نیز ارائه شد. روسیه و چین نیز مجموعاً بر این باور هستند که ابزار تحریم و کاربرد آن در روندهای جاری سازنده نیست. این دو کشور علاوه بر مشارکت کلی در روند گفت‌وگوها با ۱+۵ به صورت خاص در زمینه شیوه فعالیت آتی سایت فردو و سایت اراک حضور مؤثر و فعالی یافته‌اند. در حال حاضر قرارداد ساخت دو نیروگاه جدید اتمی در بوشهر با همکاری روسیه امضا شده و مراحل اجرایی آن شروع شده است. به علاوه یادداشت تفاهمی برای گسترش همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و روسیه منعقد شده است. با دستیابی به توافق جامع هسته‌ای، همکاری‌های هسته‌ای روسیه و چین با ایران افزایش خواهد یافت و همکاری‌های فنی - دفاعی ایران با این کشورها از جمله در زمینه واردات تسلیحات نیز تقویت می‌یابد. با رفع تحریم‌ها، وزن جمهوری اسلامی ایران در تجارت خارجی افزایش خواهد یافت و امکان سرمایه‌گذاری بیشتر در ایران فراهم خواهد شد. روسیه و چین نیز می‌توانند در شرایط پس از تحریم، نقش پررنگ‌تری در تعاملات اقتصادی و تجاری با ایران داشته باشند و بسیاری از طرح‌های تجاری و صنعتی مورد توافق میان جمهوری اسلامی ایران و این کشورها که با مانع تحریم مواجه شده بودند را دوباره فعال کنند (سالاری، ۱۳۹۲، ۲).

دیمیتری مزنتسف، دبیرکل سازمان همکاری شانگهای گفت:

«این سازمان امیدوار است تا موفقیت ایران در نهایی شدن تلاش‌ها در رابطه با برنامه هسته‌ای و برداشتن موانع حقوقی و لغو تحریم‌ها هر چه زودتر اتفاق بیفتد. من

معتقدم که سازمان همکاری شانگهای بلافاصله بعد از لغو تحریم‌ها باید درخواست عضویت کامل ایران در سازمان را قبول کند».

حسین جابری انصاری، سخنگوی وزارت خارجه ایران در کنفرانس مطبوعاتی گفت: «لغو تحریم‌ها موجب باز شدن فرصت‌ها به روی ایران برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای می‌شود، همچنین موجب حذف دیگر محدودیت‌هایی می‌شود که جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و منطقه‌ای با آن‌ها روبه‌رو است».

مهدی سنایی، سفیر ایران در مسکو در یادداشتی در سایتش نوشته است: «ایران، سال‌ها عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای بوده و به دنبال تقویت این سازمان است. حذف تحریم‌ها موجب ایجاد شرایطی جدید برای عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای خواهد شد» (کوچرا، ۱۳۹۴).

در سند راهبردی جدید سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۳ جمله‌ای درباره روابط با ایران آمده است، در بند ۸۹ این سند چنین آمده است: «ما مایل به حفظ روابط ویژه با ایران هستیم و هدف ما حفظ نظام فعلی در این کشور است». همچنین برای چین تقویت سازمان‌ها و مکانسیم‌های منطقه‌ای برای ایجاد محیط امنیتی باثبات یک ضرورت به حساب می‌آید و با توجه به ظرفیت‌ها و تجربیاتی که جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیتی دارد انتقال و بهره‌برداری از این تجربیات برای سازمان شانگهای در خصوص کاهش تهدیدات منطقه‌ای بسیار مورد اهمیت است. با این وجود پانزدهمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای با حضور سران کشورهای عضو و ناظر (ده کشور در سطح رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر) و نمایندگان دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در شهر اوفاروسیه در حالی برگزار شد که روابط اقتصادی جمهوری اسلامی با اعضای سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۴ با وجود تحریم‌ها به حدود ۹۰ میلیارد دلار رسیده است. گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با سازمان همکاری‌های شانگهای را باید با اصل تعامل سازنده دولت یازدهم منطبق دانست (نوریان، ۱۳۹۴).

۳-۴. دلایل مخالفان و موافقان عضویت کامل جمهوری اسلامی ایران

مخالفین و موافقین عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای، دلایل و مستندات زیر را برای اثبات دیدگاه و نظر خویش مطرح می‌نمایند.

۳-۴-۱. دلایل مخالفان عضویت کامل ایران

الف) بر اساس رویکرد سیاست خارجی مستقل جمهوری اسلامی، ایران به دنبال توسعه مناسبات با همسایگان، کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف مخالف نظام سلطه بین‌المللی است. این رویکرد بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی در برابر گفتمان غرب است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های عضویت ایران در پیمان شانگهای، منع قانون اساسی در ورود به اتحادهای نظامی است. در واقع، عضویت ایران در شانگهای با توجه به تعهداتی که ایران در این سازمان باید بپذیرد در تعارض آشکار با بند شانزدهم از اصل سوم قانون اساسی ایران است. بر اساس آنچه در اصل نهم قانون اساسی ایران آمده است عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای بی‌تردید بخشی از استقلال ایران را در سطح تأمین منافع مستقل خود در منطقه محدود می‌کند. یعنی ایران باید در ازای منافع موجود در همکاری‌های نظامی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی در سازمان شانگهای، محدودیت‌هایی را بر اساس تعهدات مقابل برای عضویت کامل در شانگهای بپذیرد که این تعهدات استقلال کشور را خدشه‌دار می‌سازد (بهشتی‌پور، ۱۳۹۶، ۱).

پس از فروپاشی شوروی، نظام بین‌الملل از ویژگی سلسله‌مراتبی برخوردار گردیده است که در آن آمریکا تنها ابرقدرت است. اهداف سازمان همکاری شانگهای با استراتژی جهانی آمریکا مغایرت دارد. در شرایط فعلی عضویت ایران در آن سازمان، جمهوری اسلامی ایران را در خط مقدم ملاحظات امنیتی آمریکا در قبال آسیای مرکزی قرار می‌دهد، در نتیجه بر شدت تهدیدات آمریکا علیه ایران می‌افزاید.

ب) با توجه به جایگاه ایران در صحنه بین‌المللی و همچنین مراودات قدرت - پایه میان چین و روسیه از یکسو و بلوک غرب از سوی دیگر، احتمال وجه‌المصالحه قرار گرفتن ایران در صحنه رقابت سیاسی وجود دارد.

پ) به دلیل مراودات قدرت - پایه موجود میان روسیه و چین از یکسو و بلوک

غرب از سوی دیگر به نظر می‌رسد که قدرت جولان کمتری از سوی روسیه و چین در روابطشان با ایران چه در سطح دوجانبه و چه در سطح چندجانبه وجود داشته باشد. از طرف دیگر روابط تاریخی چین و روسیه بر جو اعتمادسازی استوار نیست و هر یک به‌طور مستقل سیاست‌ها و اولویت‌هایی در صحنه بین‌المللی برای خود ترسیم نموده‌اند و در خصوص آمریکا نیز هر دو آمریکا را به‌نوعی بهترین شریک تجاری و اقتصادی خود می‌بینند.

ت) عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، با توجه به موقعیت جغرافیایی آن در منطقه، باعث می‌شود تا ایران در جبهه مقدم ژئوپلیتیکی این سازمان قرار گیرد. مضافاً این‌که با توجه به تحولات جاری در منطقه و بحران‌های جاری منطقه‌ای و احتمال حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس عضویت ایران می‌تواند با کشمکش و حساسیت‌هایی همراه باشد که این مسئله می‌تواند از بعد امنیتی و آسیب‌پذیری حائز اهمیت باشد.

ث) با توجه به وابستگی کشورهای عضو به غرب، سیاست گرایش به شرق در قالب یک سیاست واحد و درازمدت می‌تواند خطراتی داشته باشد (طالبی‌فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۲، ۲۲۹-۲۲۶).

ج) هم‌چنین چین و روسیه به ایران نگاهی ابزاری دارند (ابزار تاکتیکی) و پذیرش ایران در سازمان، زمینه بهره‌برداری از ایران را فراهم می‌آورد.

چ) عضویت ایران در سازمان، بر نگرانی امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس از ایران می‌افزاید و به آن‌ها انگیزه می‌دهد که با تقویت پیوندهای خود با آمریکا، در راه رویارویی با ایران گام بردارند.

ح) روسیه و چین خواهان باز شدن مسیر ایران به روی کشورهای آسیای مرکزی نیستند، زیرا امکان دادوستد با این کشورها کاهش می‌یابد و با عضویت کامل ایران در سازمان، ناچارند از برخی امکانات کنونی خود به سود ایران چشم‌پوشی کنند.

خ) سازمان همکاری شانگهای از انسجام لازم در قبال مسائل بین‌المللی بی‌بهره است و سیاست‌های آمریکا و ناتو آن را دچار دودستگی می‌کند (بزرگی و حسینی، ۱۳۹۰، ۷۳).

نمونه‌ای از این عدم انسجام را می‌توان این‌گونه بیان کرد که این سازمان در برابر بسیاری از تحولات و رویدادهای منطقه‌ای سکوت اختیار کرده و موضعی نگرفته است. سازمان در برابر بحران افغانستان برخوردی مناسب نداشته است و مانع واگذاری پایگاه به نیروهای آمریکایی در منطقه نشد. همچنین در برابر تهدیدات تروریستی سیاست منسجم و مدوئی به کار نگرفت (Germanovich, 2008, 18).

۳-۴-۲. دلایل موافقان عضویت کامل ایران

الف) برخی نیز معتقدند افزایش مشارکت و همکاری منطقه‌ای در زمینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی، در راستای منافع ملی است و افزایش قدرت ملی ایران را در پی دارد.
ب) عضویت ایران تأییدی است بر سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی ایران نسبت به کشورهای همسایه شمالی و آسیای مرکزی.
پ) با توجه به مورد تهدید بودن ایران از سوی آمریکا، عضویت در سازمان همکاری شانگهای که یک اتحاد نظامی نیست، نشان‌دهنده این است که ایران با ابزارهای پذیرفتنی در سطح بین‌الملل، سیاست خود را ادامه می‌دهد.
ت) همکاری گسترده ایران با سازمان قدرت چانه‌زنی ایران برای رویارویی با غرب و چالش‌های منطقه را افزایش می‌دهد.
ث) درحالی‌که آمریکا برای گوشه‌نشین کردن و انزوای ایران تلاش می‌کند، عضویت ایران در سازمان این هدف را تا حدودی نقش بر آب می‌کند (بزرگی و حسینی، ۱۳۹۰، ۷۳).

ج) با تقویت پیوندهای سیاسی و اقتصادی ایران با اعضای سازمان همکاری شانگهای به‌ویژه چین و روسیه، منافع این کشورها در هم گره می‌خورد و این مسئله چین و روسیه را وامی‌دارد تا نسبت به عوامل متخاصم خارجی که منجر به برهم زدن ثبات در ایران می‌شوند، بی‌تفاوت نمانند (Brummer, 2007, 193).
چ) سازمان همکاری شانگهای بر اساس اسناد منتشره، بر اصل احترام به حاکمیت کشورها و رژیم‌های حاکم بر آنها مبتنی است. اتکا بر این اصل مفهوم اصل حیاتی «بقا» برای جمهوری اسلامی ایران است.

ح) تجربیات گذشته در آسیای مرکزی نشان داده است که برای جمهوری اسلامی ایران نفوذ میانه‌روانه در آسیای مرکزی، ممکن‌تر از نفوذ رادیکال است.

خ) جمهوری اسلامی ایران قادر است برای اقتصاد آسیای مرکزی فرصت‌های مطلوبی در خصوص ترانزیت (کالا و انرژی) فراهم آورد (طالبی‌فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۲، ۲۲۴-۲۲۳).

۴. فرصت‌ها (منافع) و چالش‌های عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

همان‌طور که بیان شد، درخواست عضویت ایران در «SCO» در سفر پنجم فروردین ۱۳۸۷ وزیر امور خارجه به دوشنبه تاجیکستان اعلام شد. آنچه که مهم می‌نماید این است که به لحاظ نظری و علمی چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در عضویت کامل جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای وجود دارد و در چه حوزه‌هایی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تأمین می‌کند؟ در این بخش به بررسی سؤال فوق می‌پردازیم:

۴-۱. فرصت‌ها و منافع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

مجموعه فرصت‌های مربوط به همکاری و عضویت ایران در سازمان را در پنج محور سیاسی، اقتصادی، تجاری، امنیتی و فرهنگی می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۴-۱-۱. فرصت‌ها و منافع سیاسی

با توجه به روند افول هژمونی آمریکا و فرصت ساختاری ایجادشده در ساختار نظام بین‌الملل در سطح جهانی و منطقه‌ای (خاورمیانه)، ایران می‌تواند با عضویت کامل در سازمان شانگهای ضمن تداوم مخالفت با آمریکا به تضمین امنیت خود پرداخته و از انزوای بین‌المللی خود جلوگیری کند. هم‌چنین جمهوری اسلامی ایران بر اساس منطق همگرایی منطقه‌ای می‌تواند با استفاده از این فرصت ساختاری و با توجه به درگیری آمریکا در خاورمیانه و مشکلات متعددی که با آن‌ها روبه‌روست و از سوی دیگر به سبب ناکامی در حل منازعه اسرائیلی - فلسطینی، و با پشت‌گرمی که با عضویت در

- شانگهای به دست آورده، به دنبال تقویت نقش رهبری خود در معادلات منطقه خاورمیانه برآید و به نوعی هژمونی‌گرایی اقدام کند (حاجی‌یوسفی و الوند، ۱۳۸۷، ۱۸۹).
- برخی از منافع سیاسی ایران برای عضویت در سازمان شانگهای به قرار زیر است:
- ایران با همکاری چین و روسیه می‌تواند در برخی از تنش‌های میان این کشورها و ایالات متحده آمریکا، به نفع خود بهره‌برداری کند.
 - تهدید مشترک ناتو و آمریکا برای ایران و دیگر اعضای سازمان کم‌رنگ‌تر خواهد شد.
 - تقویت روند منطقه‌گرایی در نظام بین‌المللی و احتمال تأثیرگذاری آن سیاست‌گذاری‌های کلان بین‌المللی.
 - گسترش روحیه اعتماد، حسن نیت، همکاری، ثبات و تثبیت و تقویت چهره دوستانه و مثبت ایران در تعاملات مختلف.
 - زمینه مناسب جهت ایجاد ائتلاف‌های سازنده برای رویارویی با تحریم‌ها و موانع دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹، ۶۷).
 - یکی از فرصت‌های مهمی که در این عرصه وجود دارد، حمایت چین و روسیه از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و مخالفت سرسختانه آن‌ها از اجرای هرگونه تحریم علیه ایران است. در حقیقت تمایلات ضدآمریکایی چین و روسیه که ایران در آن سهیم است به‌ویژه در مورد کاهش نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی، نقش مهمی در تصمیم ایران برای پیوستن به سازمان شانگهای ایفا کند (Noi, 2006, 95).

۴-۱-۲. فرصت‌ها و منافع امنیتی

- با پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای، همگرایی موجود باعث مدیریت تهدیدات جهانی علیه منافع ملی ایران می‌شود و به نوعی، موازنه تهدید عاملی در راستای مهار قدرت‌های غربی است و همین امر، بر روند امنیت سیاسی تأثیرگذار خواهد بود. در این مسیر، برخی از پیامدها و منافع امنیتی به قرار زیر می‌باشند:
- با پیوستن جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری شانگهای، توانایی آن در

رویاریبی با تهدیدات بیرونی به‌ویژه خطرهای احتمالی از سوی ناتو و ایالات متحده افزایش می‌یابد (بزرگی و حسینی، ۱۳۹۰، ۷۴).

- از مهم‌ترین فرصت‌های عضویت در سازمان، این است که جایگاه و موقعیت ایران در جهان اسلام می‌تواند موجب تضعیف رابطه علت و معلولی بین اسلام و تروریسم و پیشگیری از تندروی و رفتار نامناسب علیه مسلمانان و گروه‌های اسلامی غیر محارب گردد. در توضیح این مورد باید گفت که در سال‌های اخیر، منطقه آسیای مرکزی در نتیجه اقدامات افراطی و خشونت‌آمیز وهابیان و سلفیان، با رشد خطرناک افراط‌گرایی و تروریسم روبرو بوده است، تروریسمی که متأسفانه به خود رنگ اسلام زده و باعث شده است تا اسلام به‌واسطه تبلیغات جهانی در اذهان بسیاری از مردم با کج‌فهمی درک شود. لذا نقش ایران را می‌توان به‌صورت حضور جدی در صحنه و کنترل برخوردها با سازمان‌های واقعی اسلامی و پیشگیری از سرکوب مسلمانان به بهانه مبارزه با تروریسم ترسیم کرد.
- ارائه طرح نظام امنیتی دسته‌جمعی میان اعضاء با هدف مقابله با حضور روزافزون قدرت‌های فرامنطقه‌ای.
- پیگیری فعال‌تر رژیم حقوقی و امنیتی دریای خزر.
- طرح پیوسته مشکل افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه و پیشنهاد برگزاری گفتمان مقابله با تروریسم با هدف تقویت و دفاع از جایگاه ایران (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۸، ۱۰۴-۱۰۳).
- نقطه عطف در تعمیق همکاری‌های دوجانبه با کشورهای عضو در امر مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با تروریسم، اعتمادسازی و توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی.

۴-۱-۳. فرصت‌ها و منافع اقتصادی

ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای با توجه به عضویت دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل در این سازمان، دارا بودن بیش از یک‌سوم جمعیت جهان،

- وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی، نوید یک ائتلاف بالقوه را می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران هم می‌تواند از فرصت‌های اقتصادی این سازمان بهره بگیرد (رضایی، ۱۳۹۰). برخی از این منافع اقتصادی به شرح زیر هستند:
- حفظ و گسترش بازار مصرف بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی.
 - بهره‌گیری از توان و قدرت اقتصادی و توانمندی‌های چین.
 - زمینه‌سازی برای دادوستد آزاد کالا و دستیابی به توافق درباره اعطای امتیازات و معافیت‌های تعرفه‌ای.
 - دستیابی به یک بازار بزرگ و بهره‌مندی از منافع اقتصادی آن و برآوردن برخی نیازهای تکنولوژیک یک کشور.
 - توسعه گردشگری و تبادل هیئت‌های بازرگانی (بزرگی و حسینی، ۱۳۹۰، ۷۴).

۴-۱-۴. فرصت‌ها و منافع تجاری

تحولات عمده و فراگیر سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی بین‌الملل در منطقه سازمان همکاری شانگهای، تعاریف جدیدی از توسعه منافع اقتصادی و تجاری کشورها در گرایش به سمت منطقه‌ای کردن روابط اقتصادی خود مطرح ساخته است. در چارچوب همگرایی منطقه‌ای و از اهم این تحولات که تأثیرات مهمی در توجه به منطقه‌گرایی داشته است، می‌باید از جهانی‌شدن اقتصاد و گسترش وابستگی متقابل در سطح سیستم بین‌الملل، تغییرات مربوط به طبیعت رقابت‌های اقتصادی و بهره‌وری تولیدی بین‌المللی، پایان سیستم نظامی‌گری و استراتژیک دوقطبی، افول نسبی اقتدار اقتصادی آمریکا، ظهور و توسعه سیستم تجاری و بین‌المللی سه‌قطبی که مراکز اصلی آن در اروپا، آسیای جنوب شرقی و قاره آمریکا است و بالاخره بازتاب حضور گسترده اقتصادی و سیاسی کشورهای جدید صنعتی، نام برد. منطقه‌گرایی، یکی از راه‌های نزدیکی ملت‌ها و دولت‌ها در چارچوب سازمان شانگهای بوده است که در زمینه‌های اقتصادی تجلی داشته است (کمائی‌زاده، ۱۳۸۹، ۱). توسعه روابط تجاری فی‌مابین اعضای سازمان شانگهای، منجر به شکل‌گیری روابط اقتصادی به‌مثابه یک همگرایی تجاری شده است که ایران می‌تواند از پتانسیل‌های آن به خوبی در جهت منافع ملی خود استفاده نماید. به‌هرروی،

برخی از زمینه‌های تجاری علاقه‌مندی ایران به سازمان شانگهای به قرار زیر است:

▪ تقویت رویکرد تجاری به شرق: اختلافات ایران با غرب از جمله دغدغه‌های همیشگی ذهن تصمیم‌گیران سیاست‌های بازرگانی ایران در سال پس از انقلاب اسلامی بوده است. از سال ۲۰۰۳ که روابط ایران با کشورهای غربی به حالت بحرانی رسیده و به نوعی تنازع سیاسی بدل شده است و بحث پرونده هسته‌ای ایران که منجر به تشدید فشارهای غرب در محدودسازی ایران به فناوری‌های پیشرفته و ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و تدوین تحریم‌های عمده مالی، علمی و... شده است، به ایران این مجال را می‌دهد که اولاً برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت همکاری با کشورهای شرقی و شمالی خود برای روزهای سخت را در ذهن داشته باشد و ثانیاً از پتانسیل این کشورها برای مقابله با تحریم‌ها و تهدیدات استفاده نماید. با توجه به حجم مبادلات تجاری ایران با چین و روسیه و تقویت چنین روندی از طریق عضویت در سازمان همکاری شانگهای، می‌توان در موفق شدن رویکرد تجاری به شرق امیدوار بود.

▪ تشکیل باشگاه انرژی: در پی کنفرانس «سازمان همکاری شانگهای: دستاوردها و دیدگاه‌ها» در آلمانی قزاقستان، نماینده وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که روسیه در اندیشه بنیادگذاری تشکیلاتی بین‌المللی به نام «باشگاه انرژی» است. اعلامیه ولادیمیر پوتین در دیدار سران ۲۰۰۶ سازمان همکاری شانگهای، در مورد ایجاد باشگاه انرژی را در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد. البته پوتین قبل از پیشنهاد تشکیل باشگاه انرژی از سال ۲۰۰۲ به‌طور مداوم پیگیر تشکیل یک کارتل گازی در مجموعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود. از آنجایی که کشورهای صادرکننده نفت و گاز در سازمان همکاری شانگهای مانند رقیبی در بازار مساعد چین و دیگر کشورهای در حال رشد آسیای شرقی و جنوبی نسبت به یکدیگر می‌مانند، برای هماهنگی عملکرد میان آن‌ها در چارچوب سازمان همکاری شانگهای، نیاز به باشگاه انرژی است. تفاوت فاحش آن با اوپک در این خلاصه می‌شود که در یک ترکیب باشگاه نه تنها

کشورهای استخراج‌کننده نفت و گاز منطقه، بلکه مصرف‌کنندگان عمده آن مانند چین و هند و پاکستان نیز حضور خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران هم با ذخایر اثبات‌شده ۲۷/۵ تریلیون مترمکعب گاز یعنی ۱۵/۳ درصد از کل ذخایر جهان بعد از روسیه مقام دوم جهان را از نظر ذخایر گاز طبیعی به خود اختصاص می‌دهد، که این امر علاوه بر بخش اقتصادی در زمینه باشگاه انرژی می‌تواند برای ایران مزیت‌هایی را به همراه داشته باشد.

▪ عملیاتی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی: با توجه به اهداف مورد نظر در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، علاوه بر فراهم آوردن فرصت‌های مناسب، می‌تواند در فرآیند آماده‌سازی اقتصاد کشور برای پیوستن به نظام تجارت جهانی مؤثر واقع شود (امیدی، ۱۳۸۶، ۴۸-۴۶).

▪ مزایای ترانزیت کالا: همان‌طور که می‌دانیم جمهوری اسلامی ایران از مزیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد برخوردار بوده و کشوری است قدرتمند در همسایگی آسیای مرکزی که از سویی از وابستگی و پیوستگی فرهنگی و اقتصادی لازم با این منطقه برخوردار است و از سوی دیگر با دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه می‌تواند برای کشورهای منطقه یک مسیر ترانزیتی مناسب باشد. ایران نقش کلیدی در شاهراه‌های موجود منطقه یعنی جاده ابریشم، راه‌آهن سراسری آسیا، تراسیکا و کریدور شمال - جنوب دارد. بر این اساس قرار گرفتن ایران در مسیر کریدورهای بین‌المللی شمال - جنوب و همچنین ارتباط مستقیم با آب‌های آزاد، مؤید آن است که کشور ایران از اولویت بالاتری در امر ترانزیت کالا و مسافر نسبت به سایر کشورهای منطقه برخوردار است. بدین جهت بحث ترانزیت می‌تواند به خاطر درآمدزایی بالا یک فرصت استثنایی و بی‌نظیر تجاری برای ایران باشد (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۵، ۳۰-۲۷؛ اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱، ۳۰-۲۸؛ امیدی، ۱۳۸۶، ۴۷-۴۶).

▪ افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی.

▪ شکل‌گیری منطقه آزاد تجاری یا گشایش بازار مشترک شانگهای.

۴-۱-۵. فرصت‌ها و منافع فرهنگی

تقویت روابط فرهنگی دوجانبه و چندجانبه با اعضاء از جمله اعضاء مسلمان سازمان شانگهای که طبعاً اشتراکات فراوانی با ایران خواهند داشت (جعفرپور مقدم، ۱۳۹۶، ۳۳)، یکی از بسترهای علاقه‌مندی ایران به سازمان شانگهای خواهد شد که در چارچوب همگرایی منطقه‌ای فرهنگی قابل رصد و بررسی است که در این چارچوب برخی از این پتانسیل‌ها و منافع فرهنگی به قرار زیر است:

- امکان تشکیل شورای تمدن‌های اوراسیایی متشکل از شخصیت‌ها و اندیشمندان اجتماعی و فرهنگی در قالب سازمان؛
- تقویت بحث گفتگوی تمدن‌ها با توجه به حضور نمایندگان چهار دین بزرگ دنیا (اسلام، مسیحیت، شینتو، بودیسم) در سازمان؛
- تقویت همکاری‌های دانشگاهی، آموزشی، فرهنگی و تبادل تجربیات در زمینه اشتغال جوانان؛
- برقراری همکاری‌های علمی نظیر ایجاد قطب علمی و مطالعاتی، همکاری در زمینه نانو تکنولوژی و... (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۸، ۱۰۶).
- خنثی کردن تبلیغات رسانه‌ای مبنی بر منزوی شدن ایران در سطح بین‌المللی؛
- تقویت گروه کشورهای فارسی‌زبان در کنار تاجیکستان و احتمال عضویت افغانستان در آینده (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹، ۷۰).

۴-۲. چالش‌ها و محدودیت‌های عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

با توجه به اینکه جایگاه جمهوری اسلامی ایران در دو موقعیت ناظر و اصلی، می‌تواند موجب پدید آوردن شرایط متفاوت و ورود متغیرهای جدید در تحلیل تعامل ایران با سازمان گردد، از این‌رو چالش‌های احتمالی فراروی عضویت ایران در سازمان را از دو منظر عضویت ناظر و عضویت کامل مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

۴-۲-۱. در جایگاه عضویت ناظر

به نظر می‌رسد عضویت ناظر ایران در سازمان، چالش قابل‌بحثی را برای کشور به

همراه نداشته باشد، چراکه سازمان نقشی را برای اعضای ناظر در تصمیم‌گیری‌ها و تعهدات سازمان در نظر نمی‌گیرد. اگرچه حضور مقامات جمهوری اسلامی ایران در نشست‌های سازمان می‌تواند جهت بیان دیدگاه‌ها فرصتی مغتنم باشد، ولی باید به موارد ذیل به‌عنوان ملاحظات چالش‌برانگیز توجه داشت:

- احتمال بهره‌برداری ابزاری از حضور ایران در سازمان توسط برخی اعضای مهم در تعامل با آمریکا و برخی کشورهای اروپایی.
- بی‌علاقگی برخی کشورهای عضو به توسعه جغرافیایی سازمان با توجه به مشکلاتی که با برخی کشورهای مورد نظر جهت عضویت دارند. به‌طور مثال ملاحظات چین در خصوص ورود هند، ملاحظات روسیه، قزاقستان و تاجیکستان در خصوص پاکستان و یا ملاحظات چین و روسیه در خصوص حضور ایران در سازمان.
- مشخص نبودن سازوکار تبدیل جایگاه عضویت ناظر به عضو کامل (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۸، ۱۰۸-۱۰۷).

۴-۲-۲. در جایگاه عضویت کامل

بدیهی است با عضویت کامل ایران در سازمان، مسئولیت‌ها و تعهدات سازمانی نیز تسری می‌یابد که در صورت عدم تدوین راهبرد دقیق و تعریف‌شده برای تعامل با سازمان، ملاحظات زیر را به‌عنوان حوزه‌های احتمالی چالش‌برانگیز در سیاست خارجی ایران باید مدنظر و مورد ارزیابی قرار داد:

- تعهد به مصوبات سازمان؛
- تعهدات و الزامات سازمانی و ضرورت هماهنگ‌سازی این موارد با راهبردهای سیاست خارجی کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- تشریفات مربوط به اعضاء در سازمان از موضوعاتی است که به‌طورکلی با دیدگاه‌ها و رویکردهای کشور تا حدودی منافات دارد و باید تدبیر و راهکاری جهت جلوگیری از ایراد خدشه به روابط با سازمان اندیشیده شود؛
- تعیین دقیق حدود و زمینه‌های همکاری و مشارکت در نهادها و ترجمان‌های

اجرائی سازمان؛

- ضرورت توجه به تطبیق مناسب کاربردی اهداف و منافع سازمان با اهداف و منافع ملی کشور که در غیر این صورت می‌تواند به‌عنوان یک مشکل مواجه شود؛
- چنانچه در موضوع مقابله با افراط‌گرایی مذهبی ظرافت‌ها و حساسیت‌های لازم رعایت نشود، ممکن است خود به بستری برای جریان‌سازی تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه تبدیل گردد (انوری و رحمانی‌موحد، ۱۳۸۸، ۱۰۸-۱۰۷).

در مجموع به‌طور مشخص جمهوری اسلامی ایران در مورد نحوه و سطح همکاری با سازمان همکاری شانگهای دو گزینه پیش رو دارد: اول؛ تداوم عضویت ناظر و نیمه فعال کنونی با هدف آگاهی از تصمیمات سازمان و مشارکت در زمینه‌هایی که احتمالاً در راستای منافع جمهوری اسلامی قرار دارد. دوم؛ کوشش برای عضویت کامل و حضور فعال در سازمان با هدف ارتقای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی آن، هم در عرصه همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و هم در عرصه موضع‌گیری‌هایی سیاسی بین‌المللی. مزیت گزینه نخست این است که ایران به‌عنوان عضو ناظر بدون آنکه متعهد به اجرای تمامی تصمیمات سازمان باشد و یا در تمامی موضع‌گیری‌های سازمان مشارکت داشته باشد می‌تواند به‌طور محدود بر تصمیمات سازمان تأثیر بگذارد و احتمالاً در مواردی از مزایای موضع‌گیری‌ها و اقدامات جمعی سازمان بهره‌مند گردد. در ارتباط با گزینه دوم عضویت ایران در سازمان، اگرچه فرصت جدیدی را برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی ایران فراهم می‌گردد و متناسب با ارتقای نقش سازمان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش ایران نیز افزایش خواهد یافت. اما این امر این مستلزم پذیرش تصمیمات و موضع‌گیری‌های سازمان خواهد بود (واعظی، ۱۳۸۵، ۲۵).

نتیجه‌گیری

این مقاله تلاشی برای بررسی اهداف و منافع ایران برای عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای است و به همین دلیل با بهره‌گیری از نظریه همگرایی منطقه‌ای و در چارچوب منافع ملی ایران تلاش گردید زوایای مختلف عضویت ایران در این سازمان

مورد بررسی قرار بگیرد. برخی از یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که در چارچوب منافع ملی ایران، عضویت در سازمان شانگهای می‌تواند ظرفیت‌های مناسبی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و تجاری را برای ایران به ارمغان بیاورد. به این معنا که گسترش روند همگرایی ایران با سازمان شانگهای و توسعه روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... با کشورهای عضو، فرصت‌های زیادی پیش روی ایران در راستای ارتقاء قدرت منطقه‌ای قرار داده است. به‌عنوان پیشینه مباحث باید اذعان داشت که به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نظام دوقطبی بین‌المللی، منطقه‌گرایی گسترش چشمگیری داشته و منجر به شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای مهمی شده است که سازمان همکاری شانگهای یکی از آنها بوده است. سازمان همکاری شانگهای در سال ۱۹۹۶ پایه‌گذاری شد و در سال ۲۰۰۱ به‌صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. این سازمان با داشتن شش عضو دائم شامل چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان و چهار عضو ناظر شامل هند، ایران، پاکستان و مغولستان نسل جدیدی از منطقه‌گرایی در آسیا محسوب می‌شود.

سازمان همکاری شانگهای از آغاز شکل‌گیری تاکنون اهداف خود را به‌صورت پلکانی تعریف و دنبال کرده است و بعد از اعتمادسازی مرزهای مشترک اعضای به‌عنوان هدف اولیه، موضوع تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گرایی مذهبی را در دستور کار خود قرار داد. سازمان همکاری شانگهای با توجه به قرار گرفتن در موقعیت ژئوپلیتیکی و هارتلندی و گستردگی و نزدیکی خاک اعضا، جمعیت قابل‌توجه آنها، مکمل بودن در زمینه انرژی، گردآوری سه حوزه تمدنی بودایی، ارتدوکس و اسلامی، بلوک‌بندی هسته‌ای، داشتن تهدیدات مشترک، حضور دو قطب بزرگ اقتصادی سیاسی جهان یعنی روسیه و چین و داشتن حق وتوی آنها در شورای امنیت، قابلیت بلوک اقتصادی و سیاسی و امنیتی را داشته و بر اساس عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند مزایا و فرصت‌ها و دستاوردهای زیادی را در زمینه‌های اقتصادی، تجاری، سیاسی، امنیتی و فرهنگی برای آن داشته باشد. هم‌چنین با توجه به پتانسیل و توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف این رابطه وثیق‌تر می‌شود. چراکه از نقطه‌نظر زمانی از آغاز دهه ۱۳۸۰ با توجه به دگرگونی‌های بین‌المللی و

منطقه‌ای و داخلی، ایران رویکرد راهبردی تازه، برای ارتقاء جایگاه خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت سند چشم‌انداز بیست‌ساله به تصویب رسانده است. مهم‌ترین هدف این سند راهبردی، تبدیل شدن ایران در سال ۱۴۰۴ شمسی به کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل است. لذا حضور در فرآیندهای منطقه‌ای نظیر سازمان همکاری شانگهای برای نیل به این هدف می‌تواند مهم و مؤثر باشد. لازمه رسیدن به این هدف توجه نخبگان فکری و ابزاری و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی به زوایای مختلف موضوعات به‌ویژه ابعاد پیدا و پنهان سازمان همکاری شانگهای است. در چارچوب نظریه همگرایی منطقه‌ای، عضویت ایران در سازمان شانگهای می‌تواند بر مؤلفه‌های سیاست بین‌المللی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قدرت منطقه‌ای، توازن تجاری، امنیت منطقه‌ای و... تأثیرگذار باشد و فرصت‌های خوبی برای ارتقاء جایگاه ایران در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی فراهم آورد و به عبارتی دیگر، تأمین‌کننده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

منابع

- احسانی، رضا (۱۳۹۵)، «ضرورت همگرایی منطقه‌ای در مبارزه با تروریسم»، *روزنامه افغانستان ما*، ۱۱ بهمن. استایدر، کریک (۱۳۸۰)، «ساختارهای امنیت منطقه‌ای»، ترجمه محمود عسگری، *راهبرد*، سال دهم، شماره ۲۱.
- اعظمی، هادی، سیدهادی زرقانی و جهانگیر حیدری (۱۳۹۱)، «تحلیل مدل نقش همگرایی ملی به‌عنوان مبنای همگرایی منطقه‌ای در جهان اسلام؛ مطالعه موردی خاورمیانه»، *پنجمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام*، تبریز: دانشگاه تبریز.
- اعظمی، هادی و علی اکبر دبیری (۱۳۹۱)، «ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی»، *فضای جغرافیایی*، سال دوازدهم، شماره ۴۰.
- امیدی، علی (۱۳۸۶)، «فرصت‌ها و چالش‌های تجاری عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای»، *بررسی‌های بازرگانی*، سال چهارم، شماره ۲۶.
- امیراحمدیان، بهرام و روح‌الله صالحی دولت‌آباد (۱۳۹۵)، «ابتکار «جاده ابریشم جدید» چین (اهداف، موانع و چالشها)»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۶.
- انوری، حمیدرضا و مرتضی رحمانی‌موحد (۱۳۸۸)، *سازمان همکاری شانگهای چشم‌اندازی به‌سوی*

- جهان چندقطبی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ایزدی، جهانبخش و فرزاد خلفی (۱۳۹۰)، «راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل (برپای سند چشم‌انداز)»، *رونامه سیاست‌گذاری*، سال دوم، شماره ۳.
- بزرگی، وحید و میرعبدالله حسینی (۱۳۹۰)، «سازمان همکاری‌های شانگهای و جنبه‌های عضویت دائم ایران در آن»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال بیست‌وپنجم، شماره ۲۸۴.
- بزرگی، وحید و میرعبدالله حسینی (۱۳۸۹)، «سازمان همکاری‌های شانگهای، تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال سوم، شماره ۷.
- بصیری، محمدعلی؛ حسین سوری‌قولیوند و سیدمهدی جانفان (۱۳۹۲)، «بررسی عملکرد سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در چارچوب تئوری همگرایی منطقه‌ای»، *پژوهش‌های سیاسی*، سال سوم، شماره ۶.
- بهشتی‌پور، حسن (۱۳۹۶)، «سیاست‌های ایران در قبال شانگهای و آسیای مرکزی»، *مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)*، ۳۱ تیر، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/interview/3258/>
- پیشداد، سعید (۱۳۸۳)، *همگرایی در سازمان اگو*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- جاوید، عباسعلی (۱۳۸۶)، «همگرایی اقتصادی و امنیت منطقه خاورمیانه»، *معرفت*، سال شانزدهم، شماره ۴.
- جعفرپورمقدم، مرتضی (۱۳۹۶)، «اهداف راهبردی ایران در قبال سازمان همکاری‌های شانگهای»، *کارایی*، سال نهم، شماره ۳۴.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و مرضیه‌سادات الوند (۱۳۸۷)، «ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای؛ هژمونی و ضد هژمونی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال سوم، شماره ۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، «مدل مفروض تحقق همگرایی منطقه‌ای (با تأکید بر حوزه خلیج فارس)»، *جزوه درسی مناطق ژئوپلیتیکی پیرامون ایران*، تهران: به اهتمام حسن رحیمی.
- حق‌شناس، محمدجواد و سعید بشیری (۱۳۹۰)، «ناتو و گرایش ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال بیست‌وپنجم، شماره ۲۸۴.
- حقیقی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، «ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای»، *گزارش*، سال بیستم، شماره ۲۰۸.
- خبرگزاری افکارنیوز (۱۳۹۴)، «سازمان شانگهای، بستر حضور قوی‌تر ایران در آسیا»، قابل دسترسی در: <http://www.afkarnews.ir/>
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۴)، «ایران و سازمان شانگهای؛ پیوندی با نگاه به آینده»، قابل دسترسی در: <http://www7.irna.ir/fa/News/81676110/>
- خلیلی، عبدالرسول (۱۳۹۴)، «رئیس‌جمهور و اقتصاد کشورهای نوظهور»، *روزنامه شرق*، شماره ۲۳۴۶، تاریخ ۹۴/۴/۲۲، صفحه ۵.
- دارابکلانی، اسماعیل (۱۳۸۷)، «منافع ملی از دیدگاه امام خمینی (عج)»، *امام خمینی (عج) و حکومت اسلامی: نهادهای سیاسی و اصول مدنی*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (عج).
- درویشی، فرهاد و محمد فردی‌تازه‌کند (۱۳۸۷)، «مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی دولت خاتمی (۸۴-۱۳۷۶)»، *ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره ۳.

- رحمان، خالد (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای: چشم‌اندازها و فرصت‌ها»، ترجمه فاطمه سلطانی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پانزدهم، شماره ۵۵.
- رضایی، علیرضا (۱۳۹۰)، «عضویت در سازمان همکاری شانگهای و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *دومین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان*، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع.ج).
- رضایی، علیرضا و عباس صالحی (۱۳۸۹)، «سازمان همکاری شانگهای و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات سیاسی*، سال سوم، شماره ۹.
- زاهدی‌انارکی، مجتبی (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای از تئوری تا عمل»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پانزدهم، شماره ۵۵.
- سالاری، مریم (۱۳۹۴)، «گفت‌وگو با ستایی سفیر ایران در مسکو: گسترش روابط با چین و روسیه از اولویت‌های ایران است»، *روزنامه ایران*، سال بیست‌ویکم، شماره ۵۹۷۴، تاریخ: ۱۳۹۴/۴/۲۰، صص ۱-۲.
- شفیعی، نوذر و یونس کمائی‌زاده (۱۳۸۷)، «تبیین روابط چین و آمریکا در برابر سازمان همکاری شانگهای بر اساس نظریه موازنه قوای نرم»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال سوم، شماره ۷.
- شمسیان‌فرد، حمید (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای و آینده ایران در آن»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال بیست و یکم، شماره ۲۲۳-۲۲۴.
- طالبی‌فر، عباس و شهرام قاضی‌زاده (۱۳۸۲)، «سازمان همکاری شانگهای و عضویت جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست خارجی*، سال هفدهم، شماره ۱.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگهای»، *راهبرد*، سال بیستم، شماره ۶۰.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۷)، *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران: علم.
- عزتی، عزت‌الله و کیومرث یزدان‌پناه (۱۳۸۶)، «تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی - امنیتی شانگهای با تأکید بر چشم‌انداز عضویت ایران در این سازمان»، *ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره ۳.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۷۲)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- علی‌بخشی، ابراهیم و محمدحسن بیات (۱۳۸۷)، *مبانی نظری منافع ملی*، تهران: آجا.
- فیاضی، محسن (۱۳۸۸)، «سازمان همکاری شانگهای فرصتی برای مشارکت چین و روسیه»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال هجدهم، شماره ۶۸.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶)، *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: سمت.
- کاظمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۰)، *نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل (تجربه جهان سوم)*، تهران: قومس.
- کاظمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۲)، *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، تهران: قومس.
- کمائی‌زاده، یونس (۱۳۸۹)، تأثیر جهانی شدن بر منطقه‌گرایی با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل*، اصفهان: دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان.
- کوچرا، جاشوا (۱۳۹۴)، «با لغو تحریم‌ها اتفاق افتاد: هموار شدن راه عضویت ایران در سازمان

- همکاری شانگهای»، مترجم: حسین هوشمند، *دیپلماسی ایرانی*، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1955954/>
کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۸۷)، «نگاهی به بحران اوستیای جنوبی و هجوم روسیه به گرجستان»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال بیست و دوم، شماره ۲۵۱-۲۵۲.
- کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۸۸)، «تأملی بر طرح تشکیل باشگاه انرژی در سازمان همکاری شانگهای»، *راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۱.
- کولایی، الهه (۱۳۸۵)، «سازمان شانگهای و امنیت آسیای مرکزی»، *پژوهش علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۳.
- متکی، منوچهر (۱۳۸۵)، «سخنرانی جناب آقای متکی وزیر محترم امور خارجه جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پانزدهم، شماره ۵۵.
- مرادی، فتح‌الله (۱۳۸۷)، «سازمان همکاری شانگهای قدرتی توازن بخش»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال هفدهم، شماره ۶۲.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
- مقصود، رنجبر (۱۳۸۲)، *منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: آیت عشق.
- موسوی، سیدفضل‌الله و دیگران (۱۳۹۶)، «امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو منشور ملل متحد با تأکید بر مبانی و اهداف انقلاب اسلامی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال ششم، شماره ۲۰.
- نجارزاده، رضا، وحید شقاقی شهری (۱۳۸۵)، «همگرایی منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای اسلامی عضو منا)»، *تحقیقات اقتصادی*، سال چهل و یکم، شماره ۷۲.
- نوریان، حامد (۱۳۹۴)، «امکان سنجی مناسبات ایران و سازمان همکاری شانگهای»، پایگاه خبری - تحلیلی پارسینه، قابل دسترسی در: <http://www.parsine.com/fa/news/246590/%D8>
- واتسون، گرگ (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای: امنیت ایران در قرن بیست و یکم»، ترجمه فاطمه سلطانی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پانزدهم، شماره ۵۵.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵)، «تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پانزدهم، شماره ۵۳.
- Brummer, Matthew (2007), "The shanghai cooperation Organization and Iran: A powerful union", *Journal of International Affairs*. 6. 2, Spring /summer 2007.
- Germanovich, Gene (2008), "The shanghai cooperation organization: A threat to American Interest in Central Asia?", *China and Eurasia forum Quarterly*, Vol. 6, No. 10.
- Huang, Chin-Hao (2006), "China and the shanghai cooperation organization: post – summit Analysis and Implication for the united state", *China and Eurasia forum Quarterly*, Volum 4. No. 3.
- Noi, Aylin Unver (2006), "Iran and the shanghai cooperation organization: Is it possible for Iran to Become full member of the shanghai cooperation Organization under pressure of Nuclear Issue?", *Journal of International Affairs*, Vol. XI, No. 4.
- Nye, Joseph (1999), "Redefining The National Interest", *Foreign Affairs*, July, No.4.
- Cantori, Louis and Steven Spiegel (1970), "The international Politics Of Regions: A Comparative Approach", Englewood Cliffs, Prentice.